

معرفی اجمالی اهل حق

«اهل حق» که نام های دیگر آن «آیین حق» یا «آیین حقیقت» یا «دین حقیقت» است به یک گروه مذهبی ایرانی با گرایش های عرفانی، با آداب و متون مذهبی خاص اطلاق می شود که دارای بعضی اعتقادات اند با برداشت های رسمی و متشرعانه اسلامی مطابقت ندارند.

آیین اهل حق در بستری اسلامی رشد کرده است و به سبب غلو در حق حضرت علی(ع) با سایر فرق غالی شیعه قرابت دارد، اما با این همه، بعضی از مبادی آن را می توان در اعتقادات و سنت های فکری و فرهنگ عامه مردمان ساکن غرب ایران جستجو کرد و رگه هایی از معتقدات ایرانی پیش از اسلام را نیز در آن یافت. (دایره المعارف بزرگ اسلامی، مقاله جلالی و صفوت، ص ۴۶۷)

پیدایش: از مدارک و اسناد خطی به جا مانده از پیشینیان این فرقه چنین برمی آید که این مسلک در قرن دوم هجری ق توسط بهلول ماهی (۱۲۶-۲۱۹ هـ ق) و یارانش با استفاده از عقاید و آراء و ذخایر معنوی ایران باستان مانند آئین زردشتی، مانوی مزدک و همچنین با بهره گیری از دین مبین اسلام، مسیح و یهود و افکار فرق غالی پس از اسلام پی ریزی شده است.

صفی زاده صدیق .. اهل حق پیروان و مشاهیر ص ۲۱ حروفیه - تهران ۱۳۸۷

برخی از بزرگان از جمله آیت الله زنجانى رجال معاصر اهل حق را پیرو محمد بن نصیر نمیری از اصحاب امام علی النقی و معاصر امام عسکری می دانند - محمد محمدی اهل حق تاریخچه و فقه ص ۳۰

معرفی: اهل حق در گذشته علاوه بر دین یاری، طایفه دلفان، نصیری و ... نامیده (همان)

و به نامهای چون (گوران در تبریز) و (اوشار یا افشار در قیدار)

پیدایش تعیین تاریخ پیدایش آئین این جماعت موضوع ساده ای نمی باشد ... در کتب قدیمه مربوط به ادیان از قبیل «الفرق بین الفرق» «بیان الادیان» و «ملل و نحل شهرستانی» که از آثار قرن ششم می باشد نامی از این فرقه بدره نشده است و از طرفی پیروان این فرقه مزبور سعی کرده اند که اسرار آن را فاش نکنند و فقط آنچه راجع به آداب و رسوم مذهبی «غلاه الشیعه» و «علی الهی ها» در کتب قدیمه نوشته شده خیلی شبیه با آداب و رسوم فرقه اهل حق می باشد. ولی خود اهل حق پیدایش این فرقه را از عالم الت تا زمان حضرت علی(ع) جزو اسرار انبیاء می دانند و معتقدند که آنحضرت اسرار حقیقت را بیاران خود که «حسن بصری» نیز یکی از آنان می باشد بیان فرموده است سپس در زمان های مختلف ... به اشخاص دیگری از قبیل «کمیل و مقداد و اباذر و معروف کرخی» سینه به سینه نقل شده (بسرپرندگان تاریخ و شرح عقاید دینی - اهل حق (یارسان)) سید محمد علی خواجه الدین ص ۲ کتابفروشی منوچهری - تهران ۱۳۶۲

پیدایش: از مقدمه ای که آقای دکتر محمد مکرری بر شاهنامه حقیقت نوشته اند چنین متسفاد می شود که: در قرن چهارم مردی بنام «مبارک شاه» ملقب به «شاه خرشین» که او را مظهراله و متولد از مادری بکر بنام «ماما جلاله» می دانند در

میان ایلات (ظهور و آئین حقیقت را در میان قسمتی از مردم لرستانی شایع کرده است - سید محم علی خواجه الدین - سرسپردگاه تاریخ - ص ۲)

.... دیگر از قرن چهارم به بعد اطلاعی از فرقه مزبور و پیشوایان آن در دست نیست، باز در قرن هشتم نامه «سلطان اسحق» (سحاکی - صحاکی) به میان می آید که در مناطق کردنشینی بین ایران و عراق - ظهور کرده به تجدید آئین مزبور می پردازد ... (همان ص ۳)

رابطه زرتشک و یارسان:

در مورد نامه کتاب دینی زردشت که اکنون اوستا خوانده میشود در سرودهای دینی یارسان (آرستا) یاد شده . چنانکه در زلال زلال آمده است: که آوستیا اصل کتاب دین یارسان می باشد (صفی زاده - نوشته های پراکنده در باره یارسان - ص ۷۷)

قلمرو قومی و مکانی

پیروان آیین حق یا اهل حق را «یار» نیز می نامند (جیحون آبادی، شاهنامه حقیقت، ص ۴۲۰) و از این روی، اهل حق را «یارستان» یا با تخفیف «یارسان» نیز گفته اند (همو، ص ۳۴۲ و ۳۴۵).

در جایی، از این آیین به صورت «آیین کردان» یاد شده (خرده سرانجام، ص ۵۸۲)؛ از آن روی که از زمان سلطان اسحاق عنصر کردی سهم اصلی و مهمی در چگونگی و تحولات این مکتب و فرقه داشته است و نیز مهمترین کتب مذهبی این فرقه به زبان کردی (گوش گورانی) است. اگر چه بعداً به ترکی نیز «کلامها»ی بسیاری پدید آمد و آثار مهمی به زبان لکی هم به اهل حق مربوط است.

پیروان یارسان در استان کرمانشاهان، همدان، تهران و حدود رودهن و جاجرود و شهریار و همچنین در خراسان و نیز در میان کردهای عراق و ترکیه پراکنده اند. (صفی زاده، بزرگان یارسان، مقدمه، ص ۱۸۸)

محل زندگی : هم اکنون بیشتر پیروان اهل حق در مناطق غربی ایران در استان کرمانشاه و به ویژه شهرهای قصر شیرین ، سرپل ذهاب ، کرد صحنه، بیوه نیچ، ماهی دشت، هلیلان و مناطق دلفان و پشت کوه و در میان ایلات لکسان و سگوند در لرستان و طوائف افشار در آذربایجان و نیز شهرهای تبریز، گروس شیشوان، ایلخچی، حوالی ماکو، میاندوآب ، همدان ، تهران، جاجرود ، رودهن، آبعلی، کلاردشت، دامنه‌ی کوه‌های البرز، پاتاق ، شهریار و خراسان سکنی دارند.

صفی زاده صدیق - اهل حق ص ۲۲

استان کرمانشاه: ۱- در شهرستانهای اهل حق به صورت پراکنده زندگی می کنند - کنگاور و روستاهای اطراف آن مانند رحمت آباد ۹۹٪ فش ۵۰٪، و سراب ۱۰۰٪/ قاسم آباد ۱۰۰٪، توشمالان ۹۹٪، قزوینه ۵۰٪، سرمست ۱۰۰٪، حاجی آباد ۱۰۰٪، فش ۱۰٪، رستم آباد ۲۰٪، قراگزلوبالا ۲۰٪، و نیز روستای دشتیان وجود دارند. لرستان

از جمله مناطق بلوران - پل دختر و حومه گراب و روستاهای توابع نور آباد و قسمتهای از بوالونا و بخشی از طایفه ذوالنور اهل حق می باشند

آذربایجان شرقی

در کندوان و ایلخچی

حوالی تهران و مازندرانک رودهن ، هشتگرد، کلاردشت، روستاهای پول و فیروزکلا

استان همدان و زنجان

دراسدآباد روستای بهراز ۶۰٪ و وندر آباد ۹۵٪ هلور پائین ۴۰٪. خسرو آبادو بیرشمس الدین ۶۵٪ درهمدان ساکنا تپه

مصلی - جاده فیر روستای چشسی ۱۰۰٪

بهار گندجین ۸۰٪ چشمه کبود ۸۰٪ - قشلاق صالح آبادو ناظر آباد ۷۰٪

کبودر آهنگ مبارک آباد ۱۰۰٪ - نهاوند ملوسان ۱۰۰٪ ده سرخه ۱۰۰٪
تویسرگان روستای قلقل ۱۰۰٪ حاجی آباد شهن آباد ۵۰٪ سگاوی در قسمتهای از توابع آوج و رزن زنجان -
روستاهای انگوران - محمد محمدی اهل حق تاریخچه عقاید فقه ص ۲۳ - ۲۴
کشورهای دیگر: ترکیه - آلبانی - عراق - سوریه - یمن - برزیل - لبنان - افغانستان و قفقاز
محمد محمدی اهل حق ص ۲۴ - یارینه ۱۳۸۴ تهران

منابع و کتب مقدس

بزرگان یارسان، اصول و حقایق اعتقادی خود را در آثاری منظوم گرد آورده اند که غالباً در حکم کتب مقدس و محل رجوع قوم است. از بین این آثار پرشمار، «دفاتر» ها و «دوره» های کردی (گورانی) مورد استناد همه پیروان این مسلک است، ولی آثار ترکی («کلام» ها یا «کلامات») و آثار سری مخصوص به پیروان از اهل همان زبانهاست.

از مهمترین متون مقدس اهل حق «کلام خزانه» یا «سرانجام» است. (القاصی، آیین یاری، ص ۳۵-۳۳؛ نیک نژاد، کلامات، ص ۵).

از میان دوره های کردی می توان از «دوره چهل تن»، «دوره عابدین»، «وره گلیم و کول» و «دوره هفتوانه» نام برد که به کوشش و ترجمه صدیق صفی زاده، نشر یافته است.

نامه سرانجام: به مجموعه کتابها و رساله های دینی اهل حق که در قرن هشتم هجری توسط سلطان اسحاق و یارانش به رشته تحریر آمده «کلام خزانه» یا «سرانجام» گویند.

سرانجام دارای شش بخش یا جزو است به نامهای - بارگه بارگه، دوره هفتوانه، گلیم و گول، دوره چهل تن، دوره عابدین، و خوده سرانجام.

بارگه بارگه درباره فرود آمدن بارگاه ذات احدیت الهی در زمان های بس کهن سرزمینهای گوناگون ایران و جهان است. همچنین درباره گردش ارواح فرشتگان در پیکره پیغمبران پادشاهان، بزرگان و سرداران ایران این بخش از سرانجام را هفتاد و دو پیر سروده اند. دوره هفتوانه، غالباً از موضوعات مربوط به قربان و ادعیه: گشت و گذارهای ارواح در هفت طبقه آسمان و برگزاری جمها در روز ازل ترکیب یافته.

گلیم و کول که به معنای گلیم به دوش و پشمینه پوش است در رابطه با ریاضتهای پیر بنیامین در یمن است ... دوره چهل تن در رابطه با آفریش چهل تن از فرشتگان است ... دوره عابدین شامل مناجاتهای عابدین جاف در مورد احوال ارواح سالحان گناهگران پی از مرگ است ... خرده سرانجام: دارای یک رشته مطالب راجع به برگزاری جم و جور شکستی و سر سپردن و نامگذاری کودک و ازدواج و دعای غسل و تلقین میت بوده کهبه نثر و نظم نگاشته شده است.

صفی زاده صدیق - اهل حق ص ۲۳-۲۴

علاوه بر سرانجام کتابهای دیگری از قرن دوم تا سیزدهم هجری به یادگار مانده که از سوی سرایندگان اهل حق به نظم در آمده اند عبارتند از

دوره بهلول، دوره بابا سرهنگ دوره شاه خویشن، دوره بابا ناوس، دروه دامیاری، دفتر پردیور، دفتر ساطر، دیوان گوره، دوره نود و نه پیر شاهو، دوره شصت و شش غلام زرین کمر، زلال زلال، دوره شاه ویس قلی، دوره پیرعالی،

دوره بابا جلیل، کلام سید خاموش ، کلام ایل بیگی، کلام خان الماس، کلام شاه تیمور، کلام ذولفقار، کلام شاه امیر ،
کلام قاصد، کلام نوروز، کلام سید برکه، کلام درویش قلی، کلام جناب، کلام مجرم و کلام درویش اجاق
صفی زاده صدیق – اهل حق ص ۲۴

اعتقادات اهل حق

اهل حق، شرایع گذشته و خصوصاً اسلام را بر حق می دانند؛ اما حاصل و حقیقت همه آنها را در مذهب خود جمع می بینند و به قول قوشچی اوغلی «از خداوند ۴ کتاب نازل شده و هر ۴ نزد ماست». (ر.ک: نیک نژاد، گنجینه...، ص ۱۲۸-۱۳۰). در همانجا آمده است که «فرقان حق است و دروغ نیست»، اما مراد اهل حق از «فرقان» غیر از آن است که معمولاً فهمیده می شود. به زعم ایشان قرآن در اصل ۳۲ جزء بوده که ۳۰ جزء موجود فرع دین است و دو جزء دیگر اصل آن، و آن اصل حاوی «سرّ مگو»یی بوده است محفوظ در سینه حضرت محمد(ص)، لیکن امامان در پی هم، آن دو جزء را حفظ کردند و با نام «فرقان» به حضرت مهدی(عج) رساندند و آن حضرت «فرقان» مزبور را به زبان کردی بیان کرد (جیحون آبادی، ص ۲۰۱-۲۰۲). پس اگر اسلام چون دانه بادام باشد، آیین اهل حق مغز است و شریعت پوست آن، و یا اسلام چون دانه بادام باشد، و آن آیین دُرّ است در درونش. (همو، ص ۲۰)

آیین حقیقت، قدیم و ازلی انگاشته می شود. (نیک نژاد، گنجینه، ص ۱۰۲) و پیوستگی آن به ذات حق متلازم است با پیوستگی پیشوایان این قوم به ذات باری اهل حق با سایر غلات شیعه در این اندیشه اساسی شریکند که خداوند در صورت انسان ظهور می یابد، ولی نزد اهل حق این رأی بسط و گسترش بیشتر یافته است، و ایشان مظهریت را تنها در وجود حضرت علی(ع) منحصر نمی دانند. (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، همان، ص ۴۶۸)

در بعضی از متون اهل حق از جمله در «بارگه بارگه» آثار و شواهد صریحی درباره اعتقاد به وحدت وجود یافت می شود (ص ۹۲-۹۵)، از جمله این که سرّ و بحر محل حلول یا تجلّی ذات الهی است (ص ۱۲۹). مهمترین مظهر و مجلای حق البته انسان است. بدین سان، مفهوم آواتاره (Avatāra) که در دین هندویی و بسیاری از طریقه های عرفانی مبنای رابطه خدا و انسان را بیان می کند، در اینجا هم مطرح است. منتها در این مکتب، به یک معنا، ظهور و تجسّد الهی برای این است که بندگان، او را ببینند. (نیک نژاد، کلامات، ص ۱۱۰-۱۱۱).

روزه اهل حق:

بنا به خرده سرانجام پیروان یارسان باید در هر سال ۶ روز روزه بخصوص در ۲ نوبت بگیرند

۱- روزه غار را ۱۲ چله بزرگ زمستان لغایت چهاردهم که سلطان اسحاق از ۳ روز را در درون غار د محاصره بود لذا اهل حق بدستور سلطان اسحاق این سه روز را روزه می گیرند.

۲- روزه یاران قول طائق از ۱۴ تا ۱۶ چله بزرگ زمستان که یاران قول طاس با گرفتن روزه غار ۳ روز در زیر برف ماندند و به عنای سلطان اسحاق نجات یافتند پدران یارسان به گرامی داشت آن این ۳ روز را نیز روزه می گیرند.

صفی زاده صدیق - اهل حق - ص ۴۰

مظاهر الوهیت و پیشوایان اهل حق

۱. سلطان اسحاق

الف) جایگاه؛ در دیدگاه اهل حق، افراد زیادی از مظاهر الهی به شمار می روند. از میان تمامی مظاهر الهی برای اهل حق، سلطان اسحاق برجسته تر است. سلطان اسحاق (به صورت سحاک، صحاک، سهاک (به ضم یا فتح اول) هم ثبت شده است) به عنوان سر سلسله به شمار رفته، سازمان دهی اهل حق و تعیین مراتب پیروان آن، از وی آغاز می گردد. برخی سلطان اسحاق را مظهر علی (ع) و ذات حق انگاشته اند. (جیحون آبادی، شاهنامه حقیقت، ص ۲۹).

ب) ولادت؛ برای تاریخ ولادت سلطان اسحاق، اتفاق رأی وجود ندارد و اقوال درباره آن متفاوت است: جیحون آبادی سال ۶۱۲ ق (ص ۴۲۶)، نیک نژاد سال ۶۵۰ ق (کلامات، ص ۱۰۳) و صفی زاده سال ۶۷۵ ق (ص ۱۶) را سال ولادت وی ذکر کرده اند.

ج) محل ولادت؛ همه نویسندگان به اتفاق آراء، محل ولادت سلطان اسحاق را روستای «برزنجه» که در حلبچه (استان سلیمانیه عراق) قرار دارد، یاد کرده اند.

سلطان اسحاق را باید مقنن و مجدد آئین یارسان دانست/ برگفته از صفی زاده - نوشته های پراکنده در باره یارسان - اهل حق - تهران - عطای ۱۳۶۱ - ص ۲۴
ابتکارات سلطان اسحاق ۱- تشکیل و تأسیس خاندانهای یارسان ۲- گرفتن ؟؟؟؟؟ (سه روز روزه) بر افراد اهل حق
۳- لزوم سر سپردن افراد اهل حق ۴- انعقاد هفتگی جم یارسانی - (همان ص ۲۶ - ۳۵)

د) تحصیلات؛ برخی آورده اند که سلطان اسحاق از کودکی به فراگیری دانش پرداخت و در جوانی در مدرسه نظامیه بغداد به تحصیل ادامه داد. سپس به دمشق رفت و در تکمیل تحصیلات کوشید. (صفی زاده، ص ۱۶)

ه) آغاز تبلیغ و ارشاد؛ سلطان اسحاق پس از تکمیل تحصیلات در دمشق به موطنش، روستای «برزنجه» بازگشت و در مسجدی به ارشاد مردم پرداخت. وی سیر و سلوک متصوفه را در پیش گرفت. خاندان وی با او موافقت نداشتند و رفتار و سخنان وی از کودکی خلاف رأی و خواسته پدرش، شیخ عیسی بود. با شروع تبلیغ و ارشاد ۴ تن به وی گرویدند و با استقامت در راه او، به استقرار و پیشرفت آنچه را که سلطان اسحاق در پیش گرفت، پرداختند.

و) مهاجرت؛ پس از فوت شیخ عیسی (پدر سلطان اسحاق) برادران وی به تحریک علمای دینی به مخالفت با سلطان برخاستند و چون دشمنی آنان با وی شدت گرفت و قصد جان او را کردند با یاران خود (گروه چهار نفره ای که به زعم

اهل حق از ازل همراه او بودند) در غاری پناه گرفت و ۳ روز در آنجا پنهان شد، تا این که مهاجمان محل را ترک کردند و سلطان و همراهان به سلامت بیرون آمدند. (جیحون آبادی، ۳۳۹-۳۴۲؛ افضل، قاسم، ج ۱، ص ۲۲-۲۳).

چون پس از بیرون آمدن از غار نتوانست به موطن خویش برگردد ناگزیر به ده شیخان در اورامان کردستان مهاجرت کرد و در آنجا «پردیور» را به مثابه مرکزی روحانی و معنوی برای یاران بنا نهاد و به تقویت و نشر مذهب حقیقت پرداخت.

ز) درگذشت و قبر؛ سلطان اسحاق در ده شیخان به تبلیغ مسلک خویش پرداخت و در همان روستا در اواخر قرن هشتم هجری قمری و به گفته صفی زاده در ۷۹۸ هـ.ق. (همان، ۱۶) روی داد و همانجا مدفون شد. جیحون آبادی مدت عمر سلطان اسحاق را ۳۰۰ سال دانسته است (ص ۴۲۶، بیت ۸/۲۶۵) که طبعاً امری غریب و غیر قابل قبول به نظر می رسد.

ح) مریدان/مقرب؛ به اعتقاد اهل حق، سلطان اسحاق ۴ ملک یا ۴ یار و مرید مقرب، به نامهای: داوود، بنیامین (یابنیام)، موسی و مصطفی داشت که آنان را همان چهار ملک مقرب اسلام انگاشته‌اند. (افضل، قاسم، ۶۸/۳) این ۴ تن، با خاتون رمزار ۵ تن می شوند، و با بابایادگار و شاه ابراهیم ۷ تن (هفتن) را تشکیل می دهند و گفته اند که این «هفتن» جزئی از ذات سلطان اسحاق بودند. (دوره گلیم وکول، ص ۳۶۱-۳۶۲)

عاقبت بابا اسحاق: بابا اسحاق پس از جنگ و درگیری آنا طولی سرگذشت نامشخص دارد زیرا در آن سال شایعه شد که وی کشته شده است (۶۳۸ هـ ق) - البته این مشخص نشد احتمالاً فرار کرده به سوی غرب ایران آمده است.

محمدی محمد - اهل حق ص ۵۳

ط) مقامات روحانی و مظاهر سلطان اسحاق؛ عدد ۲۸ به گونه ای نزد اهل حق تقدس ویژه دارد. آنان معتقدند که صاحبان مراتب و مقامات روحانی ۲۸ تن هستند. این سلسله عبارتند از: ۱. هفتنان، ۲. هفتوانه، ۳. هفت سردار، ۴. قولطاسیان، که کلاً ۲۸ تن می شوند (جیحون آبادی، ۳۸۳-۳۸۷). آنها ذاتهایی ازلی هستند که نخستین صادرات ذات حق به شمار می روند و در هیأت بشری ظهور کرده اند. به دیدگاه اینان، «... جمله ذرات بود و نبود از این بیست و هشت آمده اند وجود» و «دو کونین زین بیست و هشت شد به پا». (جیحون آبادی، ۶۳-۶۴).

این ۲۸ تن از تمامی مخلوقاتی که در زمان آفریده شده اند، برترند؛ آنها معرف ۲۸ حرفند و ۲۸ حرف بیان کننده کل هستی است. (همان، ۳۸۷)

جیحون آبادی در جایی دیگر، مظاهر سلطان اسحاق را پس از ۷ سردار، به این ترتیب قرار می دهد: چلتنان، قولطاسیان، پیران یا ۷۲ پیر، ۹۹ پیر، ۶۶ غلام (ص ۲۹). به هر حال پس از ۷ سردار، یا در مقامی پایین تر از ۲۸ تن، ۴۰ تنان قرار می گیرند که در واقع ۴۰ (چهل تن) هستند، زیرا هر یک از آنها معادل ۴۰ تن محسوبند. (همان، ص ۳۸۷).

۲. مظهریت و الوهیت حضرت علی(ع)

اهل حق بجز سلطان اسحاق، مهمترین مظهر خداوند بر روی زمین را حضرت علی(ع) می دانند و در آثارشان بر الوهیت آن حضرت تأکید بسیار شده است. (جیحون آبادی، ۲۱۲-۲۱۳).

آنان معتقدند : در آغاز هستی، خداوند پس از ارشاد هفتن و نشان دادن راه دشواری که باید در آینده پیمایند، از «بطن دُر» بیرون آمد و در جامه «خاوندگار» بود، اما چون آشکار شد، هفتن دیدند که علی است (همان، ۴۷-۴۹). نزد اهل حق، خاوندگار اولین تجلی ذات حق و نخستین مرتبه بروز هویت او در عالم وجود است (همان، ۲۹۲). بنابر متون مقدس یارسان، حضرت علی(ع) دومین ظهور حق است (پس از خاوندگار) و ظهورهای دیگر مربوط به پس از وی است. (برای نمونه رجوع شود به «تذکره اعلی» از ص ۱۸ به بعد).

علی(ع) تجلی الهی در دوره حضرت محمد (ص) است (جیحون آبادی، ص ۱۲) و حضرت محمد(ص) خود به الوهیت حضرت علی(ع) آگاهی داشت، اما به درخواست وی این سرّ را فاش نکرد، (همان، ۲۰۳-۲۰۵). علی ذات خداست (همان، ۲۳)، به بیان بهتر، وی مظهر ذات الهی است و حضرت محمد(ص) مظهر صفات الهی، لیکن هر دو اصل و گوهر واحد دارند. (همان، ۱۱۵).

سایر مظاهر نزد اهل حق

اهل حق، سلمان فارسی را مظهر پیر بنیامین (یا همان جبرئیل) خواندند و شفیع دو عالم دانستند. به نظر ایشان حضرت فاطمه (س) مظهر خاتون رمزار، بلال مظهر شاه ابراهیم ایوت، و خالد ابن ولید مظهر بابایادگار بودند. («بارگه بارگه»، ص ۱۱۴-۱۱۶؛ جیحون آبادی، ص ۱۹۶).

سپس امام حسین (ع) مظهر این یادگار شد (جیحون آبادی، ص ۲۱۹). البته حضرت محمد (ص) هم محل تجلی و حلول الهی خوانده شده است («بارگه بارگه»، ۱۱۷-۱۱۸). و نخستین ظهور وی در «بطن صدف» (پس از پیدایش هفتن) بود (جیحون آبادی، ۵۳). ظهور بعدی وی در آدم ابوالبشر بود، تا برسد به آخرین پیامبر (همان، ۵۵).

۳. بهلول

بهلول، مظهر الوهیت است و گفته شده است که بهلول - که خود را به دیوانگی زده بود - تجسم دوباره حضرت علی بوده است (جیحون آبادی، ۲۲۲-۲۲۳). این بهلول احتمالاً غیر از بهلول معروف است و نزد اهل حق به بهلول ماهی معروف است. بابا خاتم، بابا صالح، بابا رجب، بابا نجوم و بابا لره که همه اهل لرستان بودند، به خدمت بهلول ماهی رسیده، در محضر او طی مقامات عرفانی کردند و ایشان از یاران نزدیک وی به شمار می روند. (دوره بهلول، ۳۵، ۴۱، ۴۶، ۵۳، ۵۹).

بنا به دستاویزهایی که در دسترس است این مسلک را بهلول ماهی در سده دوم هجری در میان بخشی از مردم لرستان و کرمانشاه و خانقین پراکنده است و در سده های سوم تا هشتم هجری اندیشه ها و باورهای تازه ای از سوی رهبران یارسان به آن افزوده شده تا رسائی یاته (نک: بزرگان یارسان صفی زاده تهران ۱۳۵۲ ص ۶ صفی زاده نوشته های پرکنده درباره یارسان اهل حق - موسسه مطبوعاتی عطائی - تهران ۱۳۶۱ ص ۶)

بنا به نامه سرانجام بهلول نخستین کسی بود که پس از پیدایش اسلام به تناسخ باور داشته خود را آینه نمای خدای و فروغ ایزدی دانسته و چهارتن از یارانش به نامه فرشتگاه چهار خوانده می شده (- نوشته های پراکنده - ص ۷) بنابر نامه سرانجام و دیگر نوشته ها و نامه های آئینی یارسان قهرمان سخن ما همان بهلولی است که همزمان هارون الرشید عباسی می زیسته و از کردن روشن بین ایران بوده - همان ص ۹

۴. شاه فضل

پس از بهلول، ذات حق در شاه فضل تجسم یافت (جیحون آبادی، ۲۶۰، ۲۷۰). این شاه فضل ظاهراً در اواخر قرن ۳ق می زیست و بعضی گفته اند که از هندوستان بوده و مدتی با اهل حق به سر برده است. (ر.ک: صفی زاده، حاشیه، ۱۳۷).

پس این احتمال داده می شود که شاه فضل الله همان فضل الله نعیمی استرآبادی، پیشوای حروفیه، باشد که جا به جایی زمانی یافته و یا با شخصیت دیگری از اهل حق خلط شده است. به هر حال، یارسان خود، این دو را یکی نمی دانند. (ر.ک: نیک نژاد، گنجینه، ۲۷).

۵. بابا سرهنگ

بابا سرهنگ پس از شاه فضل الله به مظهریت رسید. بابا سرهنگ خود به صراحت می گوید که «دون» قبلی او بهلول بوده و «دون» بعدیش سلطان سهاک است، (نیک نژاد، گنجینه، ۸۲-۸۳، ۸۵)، لیکن مظهریت، بلافاصله به سلطان اسحاق نرسیده است.

دومین مظهر الوهیت در آئین یارسان، بابا سرهنگ دودانی است که بنا به نامه سرانجام در اوایل قرن چهارم هجری به ارشاد و راهنمایی گروه یارسان پرداخت ... بنا به نامه سرانجام بابا سرهنگ در آغاز باشیوه درویشی رفتار می کرد ولی سپس خود را نمودار فره ایزدی خواند - (صفی زاده - نوشته های پراکنده درباره یارسان - ص ۵۵-۵۶)

۶. شاه خوشین

اهل حق معتقدند که پس از بابا سرهنگ مظهریت با دو واسطه به شاه خوشین رسید (جیحون آبادی، ۲۷۴). بنابر متون اهل حق، شاه خوشین - که اصلاً مبارک نام داشت - از دختری بکر در لرستان زاده شد، در حالی که دختر از ذره ای از خورشید که ظهور نور حق بود - باردار شده بود. (جیحون آبادی، ۲۷۴-۲۷۵؛ «تذکره اعلی»، ۲۹-۳۳).

مبارک شاه، ۳۶۶ سال پس از حضرت علی(ع)، یا در ۴۰۶ق در لرستان ولادت یافت و ۶۱ سال زندگی کرد (نیک نژاد، گنجینه، ۶۴، ۱۰۳؛ صفی زاده، مقدمه، ۲۳).

وی در ۳۲ سالگی دعوت و تبلیغ مرام یارسان را آغاز نمود و گفته شده که درهمدان با باباطاهر دیدار داشته است. (همانجا). جالب توجه اینکه بجز باباطاهر، شیخ عطار و عین القضات هم در زمره یاران او نام برده شده اند. (جیحون آبادی، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۳).

شاه خوشین پیوسته در سفر بود (همو، ۳۰۲) و گویند به مناسبت های مختلف معجزاتی از وی سر می زد (همو، ۲۸۱، ۳۰۱). مرگ او در ۴۶۷ق روی داد.

سومین مظهر الوهیت در آئین یارسان شاه خوشین لرستانی ملقب به مبارک شاه است. (صفی زاده - نوشته های پراکنده ص ۵۶)

روایت کرده اند وقتی که با یاران در لرستان بود، برای شنا به رودی به نام گام آسیاب (گاماسب) وارد شد، اما از آنجا بیرون نیامد و اهل حق گفته اند که از همان رودخانه به عالم غیب رفت (همو، ۳۰۳؛ صفی زاده، همان، ۲۴).

۷. بابا ناعوث (بابا نااوس)

پس از شاه خوشین، مظهر ذات الهی در بشر باباناعوث، یا «بابا نااوس» بود که همچون شاه خوشین از دختری بکر به دنیا آمد (جیحون آبادی، ۳۰۴).

نام اصلی او ابراهیم و فرزند احمد جاف بود که در ۷۷۷ق در سرزمین اورامان چشم به جهان گشود، در عرفان طیّ طریق کرد و راه و روش یارسان را تبلیغ نمود. مردم نخست به او - که مجنونانه می زیست - با نظر مساعد نمی نگریستند، اما بعداً ارادتمندانش فراوان شدند (صفی زاده، حاشیه ۱۶۷؛ نیز ر.ک: نیک نژاد، گنجینه ، ۷۰) و اهل حق این را به سبب معجزاتی می دانند که از او صادر شد. (جیحون آبادی، ۳۰۵-۳۱۰).

۸. شاه ویس قلی (قرمزی)

شاه ویس قلی (قرمزی) که در ۸۱۰ ق در کردستان به دنیا آمد، (پس از سلطان اسحاق و وی پس از بابا نااوس) مظهر ذات حق بود. وی اشعاری همه داشته که در دفتری (دوره قرمزی) گرد آمده است. (صفی زاده، مشاهیر...، بزرگان...، ص ۱۳۵، ۸۹).

وی فرزند پیر قنبر شاهوی است در قریه درزیان شاهو متولد شد (صفی زاده – نوشته‌های پراکنده ص ۶۴)

۹. ظهورات بعدی

به عقیده اهل حق، ظهور خداوند، پس از شاه ویس قلی (قرمزی)، در محمد بیگ (لرستانی) بود («تذکره اعلی» ص ۱۲۴-۱۲۵) و پس از او خداوند در خان آتش فرزند محمد بیگ ظهور یافت (همان، ۱۳۱-۱۳۲). خان آتش یا آتش بیگ که در اوایل قرن ۱۱ ق می زیست، خاندانی با عنوان آتش بیگی تشکیل داد (صفی زاده، مشاهیر، ص ۱۴۵، بزرگان، ص ۱۰۹).

مظاهر الوهیت در دیدگاه اهل حق به همینها محدود نمی شوند و بسیاری از شخصیت های دینی و عرفانی در این آیین در زمره اینانند؛ مثلاً بنابر «دوره چهل تن» حضرت موسی (ع) یکی از مظاهر الهی بود (۴۴۰-۴۴۱)؛ در «بارگه بارگه»، بابا طاهر محل تجلی الهی (ص ۱۳۱-۱۳۲)، و حاج بکتاش محل حلول ذات خداوند است (همان، ص ۱۴۹).

البته رشته مظهریت به همین جا ختم نمی شود، چنان که در شاهنامه حقیقت آمده، حسین منصور حلاج مظهر داوود (از هفتن) است (جیحون آبادی، ۲۶۰) و بنابر «بارگه بارگه» حلاج همان داوود است (ص ۱۵۱).

بر حسب ابیات ۵۰۲۸ تا ۵۰۹۶ شاهنامه حقیقت، شمس تبریزی تجسد دوباره همین حلاج بود، اما جالب توجه آنکه وی در بطن دختر دوشیزه مولوی هستی یافت و بعد باز به نزد مولانا برگشت و او مرید بی چون و چرای وی شد (همو، ۲۶۱-۲۶۵) همچنین بنابر بیت ۵۰۱۸ شاهنامه حقیقت (همو، ۲۶۱)، مولوی خود مظهر حضرت محمد (ص) بود.

اهل حق و تناسخ

الف) سابقه تاریخی؛ عقیده به تناسخ از جمله عقایدی است که اکثر اهل حق آن را می پذیرند. بنا به نامه سرانجام، بهلول، نخستین کسی بوده که پس از پیدایش اسلام به تناسخ باور داشته و خود را آینه نمای خدا و فروغ ایزدی دانسته و با استفاده از سروده های کردی محلی به دست می آید که بهلول آیین تناسخی را در «اورامان» کردستان پدید آورده است. (صفی زاده، ص ۶).

ب) مفهوم تناسخ؛ اهل حق، همچون دیگر معتقدان به تناسخ، مرگ را پایان قطعی زندگی و متضمن انقطاع حضور روح در این جهان و عبور آن به عالم دیگر نمی دانند. آغاز هر زندگی به پیشباز مرگ رفتن و هر مرگ آغاز زندگی مجددی است (نیک نژاد، گنجینه، ص ۱۱۴)، اما زندگیها و مرگ های پیاپی برای نجات انسان است («خرده سرانجام» ص ۵۷۷-۵۷۸). این طی طریق طولانی جزئی از پیمان خداوند با مردمان است و مقرر شده است که هر کس باید هزار، یا هزارو یک «دون» را در جهان بپیماید (جیحون آبادی، ص ۴۴، ۷۷). در متن یکی از سروده های اهل حق آمده است: انسان از بدو آفرینش تا روز پسین هزارو یک جامه عوض می کند و با عوض کردن هزار و یک جامه روان او به جاودانی می پیوندد، این گونه افراد به بهشت می روند و افراد بد نیز به دوزخ سرنگون می شوند. (سوری، سروده های دینی یارسان، ص ۲۰).

حلول : در لغت به معنای جای گرفتن چیزی در چیز دیگر است در تصوف برای حلول لاهوت (عالم بالا) در ناسوت (عالم پائین) استفاده می شود.

گروهی از صوفیان قائل به حلول بوده اند آنها می گفته اند «تاریتعال در کالبد انسان و حیوان و درندگان و سایر جانورن حلوم می کند این گروه هر گاه در چیزی بنگرند و تحسین کنند گویند شاید خدا در او حلول کرده است حلولیان شرایع را ارج نمی گذارند و برای آدمی هنگامی که به معبود پیوست عبادتی را نمی شناسند

محمدی محمد - اهل حق ص ۷۱ - ۷۲

نورعلی الهی می گوید: اگر فرقه آتش بیگی یا سایر اهل حق علی را خدا می دانند، منظور آن ذات بکتای خدایی است که در بشر (بدن) حضرت علی (ع) جلوه گر بود. و بدین لحاظ آنرا مظهر خدا می دانند - همان ص ۷۵

جیحون آبادی می گوید خدایی غیر از علی را نباید پرستش کرد زیرا ذات ؟؟؟؟؟ است (همان ص ۷۷)

او می گوید فاطمه بنت اسد زن ابوطالب (ع) به ذات خداوند حامله گشت (خداوند بصورت کودکی در شکم او قرار گرفت) همان ص ۸۱

حلول در روایات

صدوق در توحید به نقل از پدرش بهسندار حماد بن عمر از حضرت صادق (ع) نقل کرد که : «دروغ گفته هر که گمان کرده خدای عز وجل چیزی یا از چیزی یا بر چیزی است - همان - محمدی محمد - اهل حق - ص ۸۶

دون به دون شدن تناسخ: تناسخ عبارت است از داخل شدن روح از بدنی به بدن دیگر بلافاصله پس از مرگ: بنا به عقیده اهل حق روح انسان هزار و یک دون (جامه) عوض میکند و با گردش در جامه‌های مختلف جزای اعمال گذشته خود را می بیند

(سید محمدعلی - خواجه الدین - سرسپردگاه تاریخ - و عقاید اهل حق - ص ۱۴)

ج) اهمیت تناسخ نزد اهل حق؛ برخی معتقدند که در تمامی فرق اهل، اعتقاد به تناسخ جزء اصول اولیه آنان بوده و هم اکنون نیز این عقیده در میان آنان رایج است. (چهار دهی، اسرار فرق خاکسار، ص ۱۹۶ و ۲۱۸). مؤلف کتاب سرسپردگان نیز تناسخ و حلول را از اصول مهم عقاید اهل حق دانسته آن را پایه و اساس آیین این فرقه قلمداد کرده است. (خواجه الدین، سرسپردگان، ص ۱۲). بر این اساس «اهل حق واقعی... کلاً به «دون به دونی» و مظهریت و تجلی ذات و سیر تکامل اعتقاد دارند». (افضلی، مکاتبات با دایره المعارف تشیع، ص ۱۳).

جیحون آبادی هم به طور مکرر «دون به دون» شدن و گردش روح افراد و رهبران اهل حق در جامه و جسم بعضی دیگر از رهبران و یا حلول روح انبیاء و ائمه (ع) در جسم مرشدان و پیشوایان اهل حق، نقل نموده و حکایت ظاهر شدن امام باقر (ع) در جامه میر اسکندر، امام صادق (ع) در جامه بنیامین، امام کاظم (ع) در جامه پیر موسی و امام رضا (ع) در جامه داوود را آورده است. (شاهنامه حقیقت، ص ۱۲۷-۱۲۸). فرزند جیحون آبادی، نور علی الهی (متوفی ۱۳۵۳) نه تنها به این گونه موارد اعتقاد دارد بلکه معتقد است که روح وی، دو جسم را طی کرده، پیش از آن در جسم فردی به نام فتح الله بود و در جسم جدید، نور علی نام گرفت. (آثار الحق، ج ۱، ص ۳۳۰).

تناسخ و مسأله اخلاق و سیر تکاملی روح؛ شاید بتوان گفت که اعتقاد به تناسخ بر اساس اصول اخلاقی است و معتقدان به آن، از پاک شدن روح و صفای آن سخن می گویند. به اعتقاد اهل حق، باید هزار دون ۵۰ ساله را در جهان بگذرانند و در صورتی که در این مدت پاک شده باشد، «شود حق به آخر حساب» و در غیر این صورت باید باز دون های دیگری را بپیماید (جیحون آبادی، ص ۴۴). نیز گفته شده که کسی که عملش نادرست باشد و از قواعد حقیقت بیرون نرود، در زندگی بعدی به حیوانی مبدل خواهد شد و جهنم را خواهد دید. («ذیل تذکره اعلی»، ص ۱۶۸).

در سیر تکاملی روح، از «پردیور» (کعبه اهل حق) سخن به میان آمده است. پردیور (=این بی پل) بنایی است که سلطان اسحاق در کنار رود سیروان ساخت و در اندیشه مؤمنان مذهب، منزلتی شبیه به پل صراط دارد، زیرا روح پس از عوض کردن هزار و یک جامه سرانجام از آن عبور می کند؛ اما عبور از پل فقط برای نیکان میسر است و بدکاران به دوزخ خواهند افتاد. (صفی زاده، مقدمه، ۳۹۱). همچنین شهر زور نیز جایگاهی اساطیری یافته، و با سرنوشت نهایی نجات یافتگان پیوند خورده است: بنابر «بارگه بارگه» روان کسانی که شایسته نجات قطعی باشند، در شهر زور به سرمدیت می پیوندند. (همان، ص ۳۳).

آخر الزمان از دیدگاه اهل حق

اعتقاد به تناسخ که در میان اهل حق رواج دارد، آنان را به سویی رهنمون می کند که آخرالزمان را بر اساس آن تفسیر و تعبیر کنند. یکی از نویسندگان این فرقه، روند حرکت جهان و جهانیان را به ۳ مرحله تقسیم می کند: مرحله «روح» که در آن روحانیات هزار و یک جامه را طی می کنند. تا مرحله «جان» فرا برسد. در این مرحله نفسانیات هزار و یک جامه را طی می کنند تا زمان نزول بنی آدم برسد، و از آن زمان هم هزار و یک جامه باید طی شود تا آخرالزمان فراز آید، آنگاه زمان جاودانگی خواهد بود. و توقف حرکت جهان (جیحون آبادی، ص ۶۰).

پارسان نیز همچون شیعه اثناعشری معتقدند که در آخرالزمان خونخواهی حسین (ع) جهان را فراخواهد گرفت، همچنین بنابر پیش بینی های اهل حق، پیش از وقوع آخرالزمان جنگ های عظیمی درخواهد گرفت که از آن احوال به «جهان طوفانی» هم تعبیر شده است. (القاصی، ص ۷۰، ۷۷، ۸۰-۸۱). در این «جهان طوفانی» بی شک حضرت علی (ع) برترین تجسم الهیت، ظهور و حضور خواهد داشت. (همو، ص ۷۹) ایل بیگی می گوید که در آخرالزمان همه ادیان یک دین می شوند (مذهب اهل حق) و سلطان اسحاق بر همه سروری می یابد. در آن زمان رستگاران بی غم و اندوهند و نیازی به خورد و خوراک ندارند. (همو، ص ۸۸)، این گفته نیز گفته شده است که در آخرالزمان خداوند در پیکره هفتوانه تجلی می کند («دوره هفتوانه»، ص ۲۸۸) و هفتوانه در روز بازپسین سروری خواهد داشت («بارگه بارگه»، ص ۱۰۸).

ائمه اهل حق: پیشوایان اهل حق به «هشت انجمن» و یا طبقه بشرح ذیل تقسیم می شوند ۱- هفتمن ۲- هفتوان ۳- هفت هفتوان ۴- چهل تن ۵- هفتاد و دو پیر ۶- ۶۶ تن غلامان ۷- ۱۰۰۱ تن شه صفت ۸- غلامان بی حد و حصر (سید محمد علی خواجه الدین - سرسپردگان - ص ۲۶)

سه مقام: اهل حق از روز ازل تا روز آخر را به سه مقام تقسیم می کنند

۱- مقام اول روز ازل یا عالم الست ۲- مقام دوم یا «شریعت» همان دوره ایست که حضرت محمد (ص) شریع اسلام را تبلیغ کرده است ۳- مقام آخر عبارت است از دوره ای که پس از اسلام آئین حقیقت ظاهر شده است و بنا به عقیده اهل حق از زمان حضرت علی به بعد است البته - باعتقاد اهل حق - هر یک از ۸۲ تن از عالم الست تا زمان زندگی خودشان در جامه های گوناگون گردیده و با اسامی مختلف نامیده شده اند. قبلاً بنیامین در عالم الست جبرئیل و در دوره شریعت مسلمان و در آخر الزمان بنیامین بوده است

سید محمد علی خواجه الدین - سرسپردگان ص ۲۷ - ۲۸

امام دوازدهم:

اهل حق به ۱۲ امام اعتقاد دارند حتی معتقدند در آخر الزمان ظهور کرده دینا را از عدل و داد پر می کند. منتها به عقیده آنها هر یک از [ائمه] مظهر و یا «جامه» یکی از پیشوایان اهل حق می باشد.

[که در اشعار خود امام حسین (ع) را مظهر بابا یادگار معرفی می کند]

اول بود شاه شهیدان حسین بوی مظهر «یادگار» او به عین

نامهای ایزدان هفتگانه («هفتن»)

۱- جبرئیل دانا - پیر بنیامین

۲- اسرافیل - داود

۳- میکائیل - موسی

۴- عزائیل - مصطفی

۵- حور العین که در معنا رمز است

۶- شنطائیل که بصورت مالک فرستاده است

۷- اسماعیل را «ایوت» نامیده است

سید محمد علی خواجه - سرسپردگان - ص ۳۰

اخلاق و اخلاقیات نزد اهل حق

«قرار حقیقت» یا شرط بودن در زمره اهل حق این است که به گفته سلطان اسحاق «حق را حاضر و موجود» و «خداوند عالم را همه جا حاضر بدانند» («ذیل تذکره اعلی»، ص ۱۶۱). اهل حق دستور دارند که از اهریمن برائت جویند. («دوره عابدین»، ص ۵۲۹-۵۳۰)، اگر شرط معنوی اهل حق بودن گرایش به حق و حقیقت و دوری از بدی و دروغ است، شرط صوری - لازم الاجرای آن - سر سپردن است. چنان که ورود به جمع یاران فقط با حضور در مراسم سرسپردگی و اجرای آداب آن ممکن است. برای داوطلب سرسپردگی وجود یک «پیر» و یک «دلیل» در اجرای آیین مربوط بدان لازم است و هر یک نقش خاص خود دارند. البته مقام پیر بالاتر از مقام دلیل است (نک: صفی زاده، مقدمه، ص ۲۴).

جم و جمخانه اهل حق

یک از آیین های مقدس اهل حق، مربوط به جم یا جمع است. جم (جمع) و جمخانه (جمعخانه) محور آداب دینی یارسان را تشکیل می دهد. نامگذاری کودک، سرسپردن و ازدواج در آن صورت می گیرد. («خرده سرانجام» ص ۵۵۲، ۵۶۵)، مراسم جم در آیین یارسان تابدان حدّ اهمیت دارد که در ازل و پس از هستی یافتن هفتوانه این مراسم برپا شد و چون غیر از خود هفتوانه وجود دیگری نبود که قربان کنند، در هر بار یکی از ذوات تشکیل دهنده هفتوانه خود را قربانی می کرد و بقیه به تناول از آن می پرداختند. («دوره هفتوانه»، ص ۲۵۸-۲۶۳)

ازدواج: بنا به خرده سرانجام بر هر یک از پیروان اهل حق - واجب است که در سن بلوغ ازدواج کنند. این ازدواج یک پیوند برای ادامه نسل است نه به خاطر لذت شهوت رانی، زن و مرد باید به هم وفا دار باشند و همیشه حق را مد نظر داشته و فرزندان خوب و نیکوکار تربیت کنند - پیروان اهل حق اجازه ازدواج با خاندانی که به آن سرسپرده اند را ندارند ... و برای ازدواج باید روزی مقرر به جمخانه بروند در جم خانه پس از مراسمی خاص سید کلام پیر موسی را در مورد ازدواج برای عروس و داماد می خواند و تفسیر می کند و آنها را با روش زندگی آشنا می کند

صفی زاده صدیق - اهل حق - ص ۳۳-۳۴

نام گذاری: بنا به خرده سرانجام، هر گاه نوزادی از اهل حق دیده به جهان گشاید پس از سپری شدن هفته اش، او را به جم خانه می برند و مراسم نام گذاری او را فراهم می کنند

نوزاد را قبلاً به حمام برده و شست و شو می دهند و لباس تمیز پوشانند و نیازی آماده کرده را به دست سر جم می دهند او دست را زیر سر کودک می نهد و برای سعادت طفل نیایش می کند آنگاه به صورتش می نگیرد و سرودهای پیر بنیامین را می خواند و جم نشینان دست بلند کرده آمین مگویند و بعد هر نامه را که برگزیده باشد به گوش کودک می خواند و در پایان نیاز را بین آنها تقسیم می کند

همان ص ۳۵

نواختن تنبور در جم خانه:

تنبور یکی از آلات موسیقی کردی است که در میان اهل حق بسیار مقدس سات و در میان تمام مظاهر فرهنگی یارسان جایی اسامی دارد تنبور «جم خانه می نوازند و کلام خان هم با آن همراهی می کند از تنبوری بعضی به وجد آمده و از خود بی خود می شوند.

همان ص ۳۹

شخصیتهای جم خانه:

۱- سید: کسی است که از اولاد یکی از خاندانهای «یازده گانه حقیقت» باشد و وظیفه اش خواندن دعای نذرها است (مادامی که سی دعای نذرها را نخواند خوردن آنها جایز نیست)

۲- نایب سیده کسی است که از اولاد دلیلهای اهل حق و در غیاب سید کار سید را می کند.

۳- خلیفه: کسی است که نذرها را بین حاضرین بطور مساوی قسمت نماید.

۴- کلام خان: کسی است که کلام اهل حق را بلد باشد از کار جلی را در جم می خواند تا دیگران به تبعیت او از کار را بخوانند.

۵- خادم: حفظ نظم - انجام دستورات جمع، اعلام شروع و ختم، گفتن تکبر مخصوص نذر کار خادم می باشد خامه تا خاتمه مجلس، حق نشستن و خارج شدن از محوطه جمع را ندارد و باید جوراب نپوشد و اگر اضطراراً خارج شد کلاه خود را جای خود نگذارد.

- واجب است جم نشینان کمر خود را ببندند از روی لباس و بهتر است بوسیله رشته ای کمرهای خود را به هم متصل کنند

- حداقل عده برای تشکیل جم سه نفر می باشد.

- از شروع تا آخر باید دو زانو و دایره وار و چسبیده به هم بنشینند و کسی حق بلند شدن را ندارد و دستها روی سینه و چشم بسته مشغول ذکر حقی باشند

- مستحب است هر روز ۵ بار (صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا) و یا ماهی یک بار به جم خانه بروند.

(خواجه سرسپردگان ص ۵۰)

اهمیت و جایگاه جم

به حکم سلطان اسحاق «جم کعبه حقیقت است ، اناث و ذکور اهل حقیقت صبح و شام به کعبه زیارت کنند . اهل حقیقت صبح و شام جم داشته باشند ، در شب جمعه بی جم نباشند ، سرماه بی جم نباشند ، غسل بکنند ، و به ملبوس پاک به جم بیایند. کسی که به حد تکلیف نرسیده است ، در قطار جم ننشیند. شکرانه جم اول به جم بدهند ، بعد دعا بگیرند و بعد از آن به بیرون جم بدهند اگر در جم هزار نفر باشند ، قربان و شکرانه و نذر و نیاز چنان تقسیم کنند که به همه اهل جم برسد . کسی که سر به راه حقیقت نداده باشد ، به او قسمت ندهند» («ذیل تذکره اعلی» ص ۱۶۷).

از جمله مراسمی که در جم برگزار می شود ، ادای نذر است. نذر در آیین اهل حق بر ۶ قسم است (صفی زاده ، تعلیقات، ۵۶۹).

نذر و نیاز: بنا به خرده سرانجام نذر و نیاز یکی از فرمانهای ارزنده و مهم و اجب یارسان است آنان شش نذر دارند به قرار ذیل:

- ۱- خدمت: چهار کیلو برنج، نیم کیلو روغن ، یک خروس و یک من نان که در مراسم جم خانه خورده میشود.
 - ۲- نیاز : نذری را گویند که برای بزرگداشت و انعقاد جم با تنبوری و تواضع در جم خانه انجام می گیرد و پس از دعا خورده می شود
 - ۳- شکرانه: نذری که برای سپاسگذاری و رسیدن به آرزوی خود پیشکش جم خانه می گردد.
 - ۴- آنچه از دیدگاه مردم مانند قربانی است: خربزه ، شکر ، بادام ، قاوت و نمک می باشد که در جم خانه بعد از دعا پخش می شود
 - ۵- آنچه در فرمان قربانی به شمار می آید. عبارت است از ماهی های حلال گوشت و جوز و انار و گرده از یک سیر روغن و دو سیر آب و آرد به اندازه کافی پخته می شود.
 - ۶- قربانی: عبارتند از خروس، گوسفند ، گاو و شتر و گوزن و آهوی نر
- صفی زاده صدیق - اهل حق ص ۴۱ - ۴۲

«نیاز»

توبه و بازگشت از گناه باید با اهدای «نیاز» به جم همراه باشد تا جم از تقصیر او در گذرد (ر.ک: «ذیل تذکره اعلی» ، ص ۱۵۸).

نام دیگر نیاز ، «سبز کردن» است و زمان معین دارد. زمانهای تقدیم نیاز به نام و برای سلطان اسحاق ، هفتنان ، قولطاسیان و دیگران انجام می شود (جیحون آبادی ، ص ۳۴۹ - ۳۴۷).

ارکان اهل حق:

ارکان مسلک یارسان ۴ چیز سات

۱- پاکی : به معنای پاکیزگی و طهارت است که بر پیروان اهل حق واجب است خود را پاکیزه نگه دارند و در پاکیزگی باطن کوشا باشند

۲- راستی: به معنی راه راست است یعنی بجا آوردن فرمان خداوند که می فرماید «اهدنا الصراط المستقیم» راه اعتدال و اتحاد و استقامت در همه کارها

۳- نیستی: یعنی نیست و نابود کردن کبر و غرور و خود پسندی و خواهش های نفسانی و رذایل اخلاقی

۴- ردا: یعنی بخشش و کمک به بندگان خدا بر همه پیروان اهل حق انفاق و کمک به دیگران واجب است.

صفی زاده صدیق - اهل حق - ص ۴۵ - ۴۶

خاندانهای حقیقت

طبق احکام و دستورات آئین حقیقت هر یک از پیروان این آئین موظف به سرسپردن در یکی از خاندانهای می‌باشند و باید پیرو دلیلی هم داشته باشند و این امر مجدی مهم و ضروری است که حتی خود سلطان اسحاق صحاک برای انجام تشریفات مذهبی «بنیامین» را به پیری و «داود» را به دلیلی خود انتخاب و مراسم سرسپردن را انجام داد و برای آینده نیز «هفت خاندان»؟؟؟؟ کرد که برای جماعت اهل حق نسل بعد نسل انجام وظیفه نمایند

طبق دستور سلطان صحاک «دلیل» از ۲ طبقه انتخاب می‌شود یکی از اولاد «هفتاد و دو پیر» و طبقه دیگر از طرف خاندانهای مذکور تعیین می‌شود.

«هفت خاندان» زیر را سلطان صحاک برای پیری منصوب کرده است

۱- خاندان «شاه ابراهیم ابن سید محمد»

۲- خاندان «عالی قلندر»

۳- خاندان بابا یادگار

۴- خاندان سید ابوالوفا

۵- خاندان میر سور

۶- خاندان سید مصفا

۷- خاندان بابو عیسی

۸- ذوالنور

۹- آتش بگ

۱۰ - شاحیاس

۱۱- بابا حیدر

(خواجه الدین - سرسپردگان ص ۵۴)

نماز : آنچه بتواتر رسیده این است که نماز در میان اهل حق جنبه وجوب ندارد و خواندن آن استحبابی است - اغلب بجای آن نیاز می دهند و معتقدند که با نشستن در جم خانه و دادن نیاز این تکلیف از آنها سلب می شود. در کتاب مجموعه رسایل اهل حق - از دخان آتش - مسئله نماز را می پرسند می گوید اگر بجای نماز نیاز داده شود بهتر است.

(خواجه الدین - سرسپردگان - ص ۶۱)

نیت وضوی اهل حق:

در کتاب مجموعه رسائل اهل حق آمده : وضوی حقیقت می سازم از چشمه تشار به آب تشار بجام شاه ابراهیم پیرهن بینامین رهبر، رهبر، داود دلیل، دستگیرم سید محمد گوره سوار، اول آخر ؟؟؟؟؟؟

(مجموعه ص ۱۵۰) - همان ص ۶۵

تحریم روزه و سیل زدن و قلیان کشیدن

«صاحبکار فرمود در دون مرتضی علی قرار چنین بوده هر کس که ما را خواست «سیل نگیرد از نان و آب روزه نباشد اهل حقیقت قلیان نکشد»

مجموعه ص ۱۳۲ - همان ص ۷۱

دعای روزه: سه روز روزی می گیرم تعشق یاران قول طاس از ما گرفتن از حق قبول کردن اول یا آخریار، اول آخر عزیز شاه خداوندگار

مجموعه ص ۱۴۴ - همان ص ۷۲

نذر : نذری یکی از احکام مهم آئین اهل حق است ۱- برای ادای نذر قبول شدن آن شرط نیست ولو حاجت هم بر آورده نشود باید نذر را ادا نمایند ۲- اهل حق هر تعهد و ندای که در خوات می نمایند باید انجام دهند

همان ص ۷۴

اعیار اهل حق:

۱- عید روز پادشاهی: پس گرفتن ۳- روز روزهی غار یعنی از دوازدهم هم چله بزرگ زمستان تا ۱۴ می باشد و روز ۱۵ به نام روز پادشاهی یا روز سلطان اسحاق جشن گرفته می شود با یا حق گفتن همدیگر را می بوسند و سادی می کنند

۲- عید یاران قول طاس است: که از روز ۱۴ چهاردهم جله بزرگ زمستان تا شانزدهم را روزه می گیرند و روز ۱۷ را به نام یاران قول طاس جشن می گیرند.

۳- عید نوروز: که جشن پایان آفرینش انسان است

صفی زاده صدیق - اهل حق - ص ۴۹

اهل حق - رسوم و اعتقادات

سر سپردن: بنا به خرده سرانجام، هر یک از پیروان اهل حق - اعم از ذکور و اناث - مکلف به سر سپردن می باشند برای سرسپردن احتیاج به این وسایل است: دستمال سفید کتانی یا جوز، شکرانه، تیغ، سکه، پول حق، یک خروس، یک من برنج، یک چارک روغن حیوانی، نان و نمک.

پس از تهیه وسایل مزبور، شکرانه را در مجمعه ی پاکی ریخته و جوز و سکه و پول حق و تیغ را در ظرفی گذاشته، برنج و خروس را مطابق معمول برای خدمت و طبخ و قربانی آماده می کنند سپس، شخصی موسوم به دلیل از اولاد هفتاد و دو پیر حاضر می شود و اگر دلیل در دسترس نباشد از طرف جم شخصی کامل و پخته به وکالت از پیر انتخاب می شود که او را وکیل دلیل می نامند.

آن گاه شخصی که می خواهد سر بسپارد به همراه دلیل - البته به شرط مذكر بودن و الا برای او نیز وکیلی از منسوبین نزدیکش مانند پدر و برادر انتخاب می کنند - جلوی در جم ایستاده و به اشاره سر جم که وسایل جلوی او گذارده شده، روبروی وی می ایستد، سر جم دستمال را به گردن دلیل یا وکیل دلیل یک گره می زند و سر دیگر آن را به دست راست او می دهد، کسی که می خواهد سر بسپارد یا وکیل او با دست چپ دامن دلیل را محکم می گیرد و هر دو عقب عقب به جلوی در جم رفته و انگشتان بزرگ را روی هم قرار می دهند و به حال رکوع هر دو خم می شوند آن گاه سر جم شروع به خواندن دعای جوز می کنند در این میان شخصی از جم استدعای همت خیر می کند و جم نشینان در حال سجود، دست ها را مقابل صورت گرفته و تا ختم دعا آمین می گویند.

پس از اتمام دعا جم نشینان و کسانی که جلوی در جم نشسته اند زمین را می بوسند، سپس سر جم جوز و تیغ را برداشته جوز را همان تیغ خُرد کرده و پس از تکبیر دعای - شرط اول - شکرانه دستور تقسیم آن را به جم نشینان می دهد - دلیل که دامنش در دست آن شخص است دست همه جم نشینان را می بوسد به دستور خلیفه دعای رخصت خوانده می شود، پس از ختم دعا، دست ها از دامن رها شده و بلافاصله دستمال به وسیله دلیل از گردن آن شخص باز گردیده و تقدیم پیر می گردد. پول پای جوز سهم پیر و دستمال سهم دلیل می گردد. برگزاری جم خانه نباید با حضور کمتر از هفت نفر باشد.

اهل حق

قبله اهل حق: اولین کسی که می خواهد داخل جم خانه شود باید با کمال تواضع و ذکر نام حق در آستانه جم خانه سر فرود آورد. و از سمت راست دو زانو به «پردیور» که قبله اهل حق است بنشیند.

صیفی زاده صدیق - اهل حق ص ۳۷

قبله اهل حق مراتبی دارد. اول از لحاظ ظاهر و تکالیف شرعی مکه معظمه دوم از لحاظ باطن و دستورات اهل حق مرقد سلطان اسحاق - سوم از لحاظ تقرب به هنگام ذکر و فکر و نذورات جم و جم خانه چهارم از لحاظ اتصال به حق و حقیقت و از خود رستن، زیارت کعبه دل.

اهل حق

معنی: یارسان

«هر یک از اهل حق باید به ویار» که خدای متعال است معتقد باشد و یگانگی او را تصدیق کند و او را دوست داشته باشد.

صیفی زاده صدیق - اهل حق ص ۵۰

اهل حق

نماز: اهل حق به طور کلی نماز را به جا نمی آورند ولی در جایز بودن آن دو دسته اند:

- ۱- عده ای آن را جایز و (حتی از روی تقیه واجب می دانند)
- ۲- گروهی انجام نماز را موجب خارج شدن از دین اهل حق می شمارند.
- ۳- گروهی از دراویش نور علی الهی نماز را باعث پاکی می شمارند.
- ۴- گروهی مخالف نماز بوده اند، ولی خان آتش می گوید:
اگر نیاز نباشد نماز بی سود است اگر نیاز دهی پس نماز بیهوده است

محمدی محمد - اهل حق - ص ۱۳۲

اهل حق: فرق اهل حق

ظاهراً این جماعت به دو دسته «۱- چهل تنان ۲- هفت تنان» تقسیم می شوند.

علاوه بر این دو فرقه تیره های دیگری از قبیل تیره «آتش بیگی» و «شاه حیاسی» تقسیم می شوند.

بعقیده ایشان چهل تنان و هفت تنان از جمله موجودات پاک و نورانی و از یاران خدا می باشند که در عالم الست پیش از خلقت «آدم ابوالبشر» و سایر موجودات خلق شده اند.

سید محمد علی - خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۷

اهل حق - می خوارگی:

شایعات زیادی حاکی از این است که می خوارگی در بین اهل حق معنی ندارد (یعنی) در سه سفره غذای آنها مشروب جزو غذاهای مباح محسوب می شود. با اینکه آقای دکتر ساعدی در کتاب «ایلخچی» از «کشف الاسرار» نقل می کند که:

درباره روز و نماز و حرکت مسکرات توصیه زیاد شده است. باز در صفحه ۵۷ همان کتاب می گوید: اما آنچه مهم است آن است که سر هر سفره بساط می هم هست که مردها می نوشند. درباره می خوارگی بین اهالی هیچ حرمتی وجود ندارد. همه می خورند و... - عرق در خانه ها از کشمش تهیه می کنند.

خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۹۰

اهل حق : الوهیت برای علی (ع)

برای اثبات اینکه اهل حق علی (ع) را بدرجه خدایی میرسانند بهترین و صحیح ترین مدرک همان کتاب شاهنامه حقیقت که سروده یکی از بزرگان اهل حق می باشد که بدون ابهام و پرده پوشی حضرت علی (ع) را به مقام الوهیت می رساند و می گوید:

بدور محمد همان کردگار شد از جامه مرتضی آشکار

پس از رحلت احمد مصطفی بر او جانشین گشت آن مرتضی
که آن مرتضی بود ذات خدا بقیت بقا گشت فرمانروا

خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۹۷

اهل حق: اسلام و اهل حق

اهل حق نسبت به اسلام دو دسته اند:

۱- خود را علی الهی معرفی می کنند.

۲- خود را شیعه اثنی عشری و عامل به تمام دستورات و احکام شرع اسلام معرفی می کنند، چنانچه آقای نور علی

الهی در «برهان الحق» اهل حق را مسلمان دوازده امامی و معتقد به تمام احکام اسلام معرفی می کند و همچنین در ملاقاتی با آقای

خود را مؤلف بانجام تکالیف شرعی می دانند و در هر عصر مقلد مجتهد جامع شرایط وقت هستند منتهی علاوه بر این پیرو طریقت نیز می باشند.

ولی باید دانست که اهل حق اسلام را پوست بادام و آئین خود را مغز آن معرفی می کنند.

شاهنامه حقیقت ص ۲۰

که اسلام چون دانه بادام دان شکسته شود چون بدور زمان

برون آید آن مغز اندر دلش بود اندر آن مغز حق منزلش

که آن مغز، دین حقیقت بود همان پوست جام شریعت بود

خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۱۰۸ - ۱۰۹

اهل حق : تأثیر پذیری، الگوبرداری یارسان از ادیان دیگر

۱- گفته شد در مراسم نذر و قربانی پس از انجام تشریفات، آب به حجم آورده می شود که همه باید از آن بنوشند این عیناً در مراسمات مهرپرستان و زرتشتیان که آب و نان را موبدان با خواندن دعا تقدیس کرده می خورند که بعدها در میان مسیحیان به ربانی شهرت یافت.

ص ۱۳

۲- اهل حق در مراسم از روی لباسهای خود کمر بند می بندند مانند زرتشتیان که در موقع عبادت لباس سفید پوشیده از روی آن کمر بند می بندند.

۳- به عقیده یارسان سلطان صحاک و شاه خویشان از مادر بکر به دنیا آمده اند که کپی از مسیحیت و تولد حضرت عیسی می باشد.

۴- قبله اهل حق (پردیور) به تقلید از معابر پرستان در کنار رودخانه سیروان بنا شده است.

۵- فلسفه روزه اهل حق مانند یهود بر اساس داستان های بنا نهاده شده است مانند اینکه ۳ روز روزه بخاطر ۳ روز محبوس بوده سلطان صحاک جعل شده است.

۶- مراسم تشریف به اهل حق (مراسم سرسپردگی) با الگو گیری از غسل تعمید مسیحیت است.

(خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۱۱۷ - ۱۱۳ با تصرف)

اهل حق: قبله اهل حق

سلطان صحاک که به تدوین اصول و قوانین اهل حق پرداخته این کارها را در کنار رودخانه (سیروان) در محلی بنام (پردیور) انجام داده و این محل برای اهل حق از تقدس بالایی برخوردار بوده و قبله یارسان تعیین گردید.

شاهنامه حقیقت ص ۳۶۴

نمودند کوچ و روان شد به راه	به پردیور آمد بزد بارگاه
در آن جای حالا که آن قبله است	به یارستان خانه کعبه است

اهل حق: غسل

غسل اهل حق بر دو قسم است: غسل ارتماسی و غسل ترتیبی. اگر آب زیاد باشد غسل کننده آیه غسل را خواند غسل ارتماسی کند و اگر آب کم باید به ترتیب آب را بر سر و دوش راست و چپ با ظرف یا با مشت در قسمت راسته سه بار می ریزد. جمعاً ۹ بار

خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۱۲۰

آیه غسل:

- ۱- به نطق میر دانا خرقه نور تین
- ۲- آبم تشار است (پاک) قبله ام پردیور
- ۳- به جام ابراهیم آینه جهان بین
- ۴- به اقرار ابراهیم آینه جهان بنیاتین
- ۵- بخرقه داور راهنمای رهبر
- ۶- به نطق نفس موسی قلموز
- ۷- به آب رضبار خاتون محشر
- ۸- پاک و طاهر شوم از سر تا پا

همان، ص ۱۲۱

نیت غسل جنابت :

- ۱- برای پاکی بدن میدهم بهودم
- ۲- به آب رضبار و جام ابراهیم
- ۳- بعشق یاران پسند افتد
- ۴- غسل می کنم برای پاکی بدن

همان، ص ۱۲۲

غسل میت: غسل میت به این ترتیب است که پس از شستشوی میت دعای بنیامین خوانده می شود سپس آیه زیر را خوانده به سه لیتر آب . سه بار از سر تا به پا و سه بار بر دوش راست و سه بار بر دوش چپ می ریزند.
آیه : ۱- به غسل میت حاضر و اقرار ۲- و حکم عزیز شای خواندگار ۳- و قلم زرین پیر موسی دفتر دارد ۴- و جام ابراهیم و آب رضبار ۵- و قدر حشمت مصطفی زور دار ۶- و ناز ایوب ملکه طیار ۷- کردم شستشوش و آب تشار ۸- پاک و طاهر بویت اول و آخر یار.

همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۲

اهل حق: تدفین میت

بعد از غسل میت را کفن کرده به قبرستان می رسانند در قبرستان او را بزمین گذارده در دور او ایستاده «نیازی» بعشق پادشاه اول و آخر می دهند و پس از آن نماز میت را به شرح زیر می خوانند.

- و صدق یقین

روح فلان کس و صدق یقین - و اشاره شاه شرط بنیامین - آمرزیده بوده و بی کفر و کین پس از نماز چهار نفر قبر را کنده جنازه را به قبر می گذارند و رویش بطرف قبله نموده سنگهای لحد را روی آن می چینند قبل از ریختن خاک چوبی به شانه میت گذاشته تکان داده تلقینش می دهند.

دعای تلقین

۱- فلان کس مرد ۲- یا شاه زنها فلان کس مرد ۳- اگر گنه کار (بود) اگر کردارش (نیک بود) ۴- بدین یاری (به او) رشک بردند ۵- پناه به درگاه سلطان آورد ۱۶- هر چه پرسندانه جوابش می باشد ۱۷- اولش یار است آخرش یار است ۲۲- قبله حقانی او «پردیور» می باشد

خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۱۲۴ - ۱۲۳

اهل حق : سبیل

اهل حق عموماً دارای شاربهای انبوه می باشند و گذاردن سبیل از نشانه های این جماعت بشمار می آید، در اهمیت سبیل در کتب مربوط به اهل حق مطالب زیادی آمده است. بنا به نوشته کتاب (سرودهای دینی یارسان) پاره ای از پیروان اهل حق برای اینکه آسیبی به سبیلشان نرسد از کشیدن خودداری می کنند

خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۱۲۹

در اهمیت سبیل همین اندازه که کسی یک تار سبیلش را با رندان بریده بود خواست به خدمت خان آتش رسد اجازه نداد و گفت (فلانی) از شرط بنیامین رفته او را به جمع نگذارید - قرآن را به زیر پا انداخته - موئی از سبیل یار برابر قرآن است - او را آخرت و ایمان نیست.

خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۱۳۲

اهل حق : اقرار حضرت محمد (ص) به الوهیت حضرت علی(ع)

داستان معراج حضرت رسول اکرم (ص) در کتاب شاهنامه حقیقت به تفصیل بیان گردیده و قسمت مربوط به خوردن شیر و برنج و آمدن سیب و ظاهر شدن دستی از غیب که پس از برگشتن پیامبر از معراج منجر به قبول خدایی حضرت علی (ع) از جانب آن حضرت می شود.

چو احمد ز افلاک آمد بزیر

علی گفت با احمد مصطفی قبول باد معراجت اندر سما

ز پس -

هر آنچه به احمد گذشته براه

بیان کرد آن مظهر کبریا

دگر نیمه سیب با آن نگین

بدادی به آن سید المرسلین

اگر احمد آن قطره ان طعام

بدیدی به پشت ید آن امام

هماندم محمد بشر با بعید

شد آگه از ذات شاه کبیر

هماندم محمد ببر دش نماز

سپرده سرش را به آن بی نیاز

بگفتا ایا مظهر کردگار

ز من هر چه بوده گنه عفو دار

از آن پس به الطاف آن ذوالجلال

محمد شدی در جهان نیک حال

بگفتا علی اول و آخر است

خداوند در باطن و ظاهر است

جز حیدر نباشد به من کس خدا

که دیدم همه اوست در دوسرا

علی گفت با احمد ای نیکرو

نکن کشف بر کس تو سر مگو

شاهنامه حقیقت ، ص ۲۰۴

خواجه الدین - سر سپردگان تاریخ - عقاید اهل حق ص ۱۵۰

منابع و مصادر

- اهل حق ، عليار افضلی شاه ابراهیمی ، مهر ، تهران ۱۳۴۵ ش، شماره ۳
دفتر رموز پارستان ، قاسم افضلی شاه ابراهیمی ، تهران ، چاپ راستی.
آیین یاری ، مجید القاصی ، کرمانشاه ، ۱۳۳۸ ش.
«تذکره اعلی» ، مجموعه رسائل و اشعار اهل حق ، به کوشش ایوانف ، بمبئی ، ۱۹۵۰ م.
شاهنامه حقیقت، نعمت الله جیحون آبادی مکری، به کوشش محمد مکری ، تهران ۱۳۴۵ ش / ۱۹۶۶ م.
دوره بهلول ، به کوشش صدیق صفی زاده ، تهران ۱۳۶۳ ش.
«ذیل تذکره اعلی» ، مجموعه رسائل و اشعار اهل حق به کوشش ایوانف ، بمبئی ، ۱۹۵۰ م.
بزرگان یارسان ، صدیق صفی زاده ، تهران ۱۳۶۱ ش .
مشاهیر اهل حق ، صدیق صفی زاده ، تهران ، ۱۳۶۰ ش / ۱۹۸۱ م.
مقدمه ، حاشیه و تعلیقات برنامه سرانجام ، صدیق صفی زاده ، تهران ، ۱۳۶۰ ش .
خاکسار و اهل حق ، نورالدین مدرسی چهاردهی ، تهران ، ۱۳۶۸ ش.
«بارگه بارگه»
«خرده سرانجام»
«دوره چهل تن»
«دوره عابدین»
«دوره گلیم و کول»
«دوره هفتوانه»
نامه سرانجام، به کوشش و ترجمه صدیق صفی زاده ، تهران ، ۱۳۷۵ ش .